

روابط معناشناختی شاهد و امام در تقابل عمده تصویری دنیا و آخرت

علی محمد میرجلیلی*

تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۹

محمد عظیمی ده علی**

تاریخ پذیرش: ۹۵/۶/۱۷

چکیده

مفاهیم امام و شاهد در دو عالم دنیا و آخرت در قرآن کریم از انواع گوناگونی برخوردارند که با توجه به تقابل عمده تصویری دنیا و آخرت در قرآن می‌توانند در عین حال که هر کدام در دو این دو عالم، معنای خاص خودشان را دارند، به صورت مترادف لحاظ شوند. در برخی استعمالات قرآنی به معنای جامع و یا نسبتاً جامع از این واژگان می‌رسیم. این معنای که گستردگی مفاهیم قرآنی را به نمایش می‌گذارند، معنای خود را مدیون بهره‌گیری از روایات شارح از اهل بیت عصمت و طهارت (ع) هستند. از آنجا که این معنا توسط آیات متحد الموضوع قرآن قابل اثبات است، لذا ابزاری جهت فهم صحیح این روایات که بعضاً ارتباطی با ظاهر آیات مربوطه قرآنی ندارند تلقی می‌گردند. لذا این نوشتار با روش بنیادین و بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای در صدد است ضمن تبیین یک فرایند صحیح معناشناختی، به بررسی برایندهای روابط معناشناختی بین این دو واژه در استعمالات قرآنی به مانند اثبات انحصار مقام حقیقی امامت برای ائمه معصومین (ع) بپردازد.

کلیدواژگان: روابط هم‌نشین، روابط جانشین، ایزوتسو، معنای لغوی، معنای اصطلاحی، پیشوای حق، شهود.

طرح مسأله

این نوشتار می‌کوشد با نگاهی جدید به موضوع بررسی روابط معناشناختی دو واژه امام و شاهد در قرآن کریم بپردازد. تلاشی که جای خالی آن در زمانه کنونی به شدت احساس می‌شود، چراکه این نوشتار هم در فرایند و هم در برآیند با نوآوری‌های خاص خود می‌کوشد به چند هدف اساسی برسد. در بحث فرایند با معرفی یک نمونه به تبیین چگونگی فهم احادیثی از اهل بیت عصمت و طهارت(ع) که گویا با ظاهر قرآن تطابقی ندارند می‌پردازد و در برآیند نیز به بحث انحصار شهادت و امامت حقیقی برای اهل بیت عصمت و طهارت(ع) منتج می‌شود که بحث بسیار کلیدی در زمینه اصول مذهب شیعه تلقی می‌گردد.

پیشینه بحث

در زمینه معناشناسی امام می‌توان به کتاب بررسی تطبیقی معناشناسی امام و مقام امامت از دیدگاه مفسران فریقین نوشته دکتر فتح‌الله نجارزادگان، استاد گروه علوم قرآن دانشگاه تهران - پردیس قم، کتاب چهارم از سلسله پژوهش‌های تفسیر تطبیقی در پاییز ۱۳۹۰، در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تهران و سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها(سمت) اشاره نمود و در زمینه معناشناسی واژه شهادت می‌توان توجه را به مقاله «معناشناسی واژه شهادت در نظام معنایی قرآن» نوشته محمد عظیمی ده‌علی، فصلنامه مشکوة، سال سی و سوم، شماره ۱۲۵ جلب نمود.

تقابل‌های عمده تصویری

در نگاه/یزوتسو دستگاه قرآن، دستگاه چند لایه‌ای است که بر روی عده‌ای از تقابل‌های عمده تصویری اساسی قرار گرفته است، تقابل‌های تصویری که هر یک از آن‌ها یک میدان معناشناختی خاص می‌سازند، مانند یک درام و تنش بین دو قطب از میدان معنایی، این تقابل‌های عمده عبارت‌اند از خدا و انسان، غیب و شهادت، جهان حاضر و جهان دیگر(ایزوتسو، ۱۳۹۲ ش: ۸۹-۱۱۸).

در بحث روابط معناشناختی امام و شاهد در قرآن در برخی موارد از آیات قرآن طرح‌های تصویری نیز استفاده شده است. برای مثال در آیه شریفه: ﴿فَاتَّقِمْنَا مِنْهُمُ وَإِنَّهُمَا لِيَأْمُرُ الْمُبِينُ﴾: «ما از آن‌ها انتقام گرفتیم و - شهرهای ویران‌شده- این دو قوم لوط و اصحاب‌الایکه [بر سر راه - شما در سفرهای شام- آشکار است» (الحجر/۷۹)، آثار باقی‌مانده از شهرهای ویران‌شده توسط عذاب الهی به صورت امام یعنی ابزاری که جلوی دیدگان قرار گرفته تا افراد شاهد عذاب الهی باشند مطرح شده است (دهقان و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۵).

معناشناسی مختصری از واژه امام در قرآن

امام در لغت، هر کسی است که به او اقتداء می‌شود. کسی که در امور از همه جلوتر اقدام می‌کند، یعنی در امور بر دیگران مقدم داشته می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱: ۲۸) امام انسانی است که به گفتار و عمل به او اقتداء می‌گردد و یا کتابی یا موارد دیگر که به آن‌ها اقتداء می‌گردد، چه حق باشند و چه باطل و مراد از امام در آیه شریفه: ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ﴾ (الإسراء/۱۷) کسانی هستند که به آن‌ها اقتداء می‌گردد و در معنای امام در آیه شریفه: ﴿وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ﴾ (یس / ۱۲) گفته شده است که مراد "لوح محفوظ" است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۷) و البته با توجه به توضیحاتی که در این مقاله ذکر می‌گردد واجد معنای جامع لغوی و اصطلاحی در فضای امامت بر حق هم می‌باشد.

در قرآن واژه امام برای شش معنا به کار رفته است که تنها در یک مورد از آن‌ها (البقرة / ۱۲۴) به روشنی معنای امامت اصطلاحی که خاص معصومین (ع) است بیان شده است، در آیات دیگر معنای لغوی این واژه مد نظر می‌باشد. این معانی به طور کلی عبارت‌اند از:

۱. امام به معنای پیشوای حق:

﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ (البقرة / ۱۲۴)

﴿وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾
(الفرقان / ۷۴)

۲. امام به معنای پیشوای باطل:

﴿وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا الْأُمَّةَ الْكَافِرَ إِنَّهُمْ لَا أِيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ﴾ (التوبة / ۱۲)

۳. امام به معنای پیشوای حق و باطل هر دو:

﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوِّيَ كِتَابَهُ يَمِينُهُ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا﴾ (الإسراء / ۷۱)

۴. امام به معنای تورات:

﴿أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتِهِ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدًا مِنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً...﴾
(هود / ۱۷)

۵. امام به معنای حضوری برای عبرت دیگران:

﴿فَاتَّقِمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّهُمْ لِيَأْمُرُوا بِالْعَدْلِ وَالْإِيمَانِ﴾ (الحجر / ۷۹)

۶. امام به معنای لوح محفوظ و یا ائمه اطهار (ع):

﴿إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ﴾ (يس / ۱۲)

۷. امام به معنای آنچه پیش روست:

﴿بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَّ أَمَامَهُ﴾ (القيامة / ۵)

مفهوم امامت در قرآن در دو نوع تقسیم‌بندی جای می‌گیرد. تقسیم‌بندی مشترک و عام بین همه موارد استعمال واژه امام در قرآن و تقسیم‌بندی خاص هر مورد از موارد استعمال واژه امام در قرآن. در تقسیم بندی عام امامت، مفهوم امامت به دو نوع لغوی و مصطلح تقسیم می‌گردد و هر دو مورد لغوی و اصطلاحی به دو نوع امام در دنیا و امام در آخرت تقسیم می‌شوند، نوع امام در دنیا هم به دو نوع؛ حضوری ملازم امام بودن و اقتدائی ملازم مأموم بودن تبیین می‌گردد و نوع امام در آخرت به نوع فراخوانده شدن قومشان به نام آن‌ها منحصر می‌باشد. نوع دیگری از تقسیم بندی در تقسیم بندی معنای جامع امام می‌باشد که به یک نوع بر حق تقسیم می‌شود و با بکارگیری روایات شارح، به استعمال واژه امام در آیه دوازده سوره یس اختصاص دارد، در معنای جامع کلیه اقسام

موجود در معنای لغوی و اصطلاحی منتها تنها در نوع بر حق وجود دارند. در تقسیم‌بندی خاص مفهوم امامت در قرآن به دو نوع امام حق و امام باطل روبه‌رو می‌شویم که تنها در نوع امام حق در کنار معنای لغوی به معنای مصطلح امام می‌رسیم و در بحث امام باطل تنها در قسمت معنای لغوی توقف می‌نماییم. تقسیم‌های عام مفهوم امامت در همه مقسم‌های خاص این مفهوم جاری هستند.

معناشناسی مختصری از واژه شهادت در قرآن

«الشُّهُودُ وَالشَّهَادَةُ» به معنای حاضر بودن همراه با مشاهده است که یا با چشم ظاهر و یا با چشم باطن یعنی چشم بصیرت محقق می‌گردد، این واژه برای صرف حضور نیز گفته شده است، مانند شهادت در آیه شریفه: ﴿عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ﴾ (السجدة/۶) اما شهود بیش‌تر برای صرف حضور داشتن است و شهاده بیش‌تر برای صرف مشاهده تلقی می‌گردد. به تعبیری دیگر، شهادت گفتاری است که از علم نشأت گرفته باشد، آن هم علمی که با مشاهده چشم و یا چشم باطن یعنی بصیرت به دست آمده باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۶۶).

در مورد شهید باید گفت این واژه در اصل به معنای کشته شده در راه خداوند است (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷، ج ۲: ۵۱۳) مشاهده معاینه است و شهود معنی حضور می‌دهد که در اصل مصدر است. شهادت یعنی فرد به آنچه نزدش است گواهی دهد، «أَدَّى مَا عِنْدَهُ مِنَ الشَّهَادَةِ». مرحله حضور عبارت است از شهود که مصدر است به معنای حاضر بودن و مرتبه معاینه هم یعنی همان دیدن و همان مشاهده (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۳: ۲۳۹-۲۴۱).

شهادت اخص از علم است، زیرا شهادت علم بدون واسطه به وجود اشیاء است نه علم با وساطت شیء دیگر (جناب عسکری، ۱۴۰۰ق: ۸۸).

در تقسیم اولیه مفهوم شهادت به دو نوع در دنیا و آخرت تقسیم می‌شوند، نوع شهادت در دنیا هم به دو نوع مشاهده‌ای ملازم شاهد بودن و حضوری ملازم مشهود بودن برمی‌خوریم و در نوع آخرت به نوع شهادت دادن کسانی به اعمال قومشان مواجه می‌گردیم:

﴿وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَصَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ﴾

«- در آن روز- از هر امتی گواهی برمی‌گزینیم و - به مشرکان - می‌گوییم: - دلیل خود را بیاورید!- اما آن‌ها می‌دانند که حق از آن خداست، و تمام آنچه را افترا می‌بستند از - نظر- آن‌ها گم خواهد شد!» (القصص / ۷۵)
﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾ (النساء / ۴۱)

شهادت به معنای شهادت بر گمراهی خود در نزد خداوند:

﴿يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ الَّذِينَ آمَنُوا كُنتُمْ تُصَلُّونَ عَلَيْكُمْ بِآيَاتِنَا وَيُصَلِّي عَلَيْكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَىٰ أَنفُسِنَا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ﴾ (الأعام / ۱۳۰)

شهادت به اذعان به ربوبیت الهی توسط ذریه انسان‌ها در عالم قبل از خلقت:

﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ﴾ (الأعراف / ۱۷۲)

شهادت به معنای حضوری که ملازم هدایتگری است:

﴿مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُمْ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُمْ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾ (المائدة / ۱۱۷)

شهادت در قرآن به دو نوع کلامی - اعتقادی و فقهی تقسیم می‌گردد و در نوع اعتقادی تنها از نوع شهادت بر حق مصداق بیان شده است و نه از نوع شهادت باطل و در نشئه آخرت نیز تنها شهادت به حق بیان شده است که اختصاص به ائمه معصوم هر زمان (ع) دارد و البته به برخی از مؤمنان که مرتبه بالایی دارند نیز نسبت داده شده است.

شهادت از نوع اعتقادی تنها در نوع حق معنا و تحقق دارد و با در نظر گرفتن اینکه این نوع از شهادت به عالم دنیا اختصاص داشته باشد و یا به عالم آخرت اختصاص داشته باشد، در دو نوع شهادت فرد در مورد رفتار خود و شهادت دیگران در مورد رفتار فرد مطرح می‌گردد، در بحث شهادت در عالم دنیا شهادت فرد برای خود در زمینه اعتقادی می‌تواند به معنای یاری گرفتن فرد از عقل همگرا با فطرت و بهره‌مند از تعالیم آسمانی

مطرح شود و در بحث شهادت بقیه شاهدان یعنی شاهدان غیر از خود انسان در عالم دنیا، جنبه شهادت به معنای انواع حضور برای ارشاد افراد زبردست، توسط برگزیدگان الهی مهیا می‌شود. در بحث شهادت در عالم آخرت، شهادت خود فرد در مورد رفتارهای خودش در نزد خداوند و شهادت برگزیدگان الهی در مورد او در عالم آخرت و در نزد خداوند شکل می‌گیرد.

با توجه به اینکه از جهت عقلی و استعمال قرآنی شهادت به دو نوع شهادت حق و باطل تقسیم می‌گردد. شهادت به معنای شهادت به باطل در عالم دنیا و آخرت تفاوت دارد شهادت باطل در عالم دنیا که دار مسئولیت‌هاست امکان دارد، اما شهادت باطل در عالم آخرت مصداق ندارد و در قرآن به کار نرفته است.

در معنای واژه شاهد و شهید در نشئه دنیا دو جنبه فاعلی و مفعولی وجود دارد. برای یافتن بهترین تعبیر در زمینه دو جنبه فاعلی و مفعولی شهادت در نشئه دنیا، می‌توان معنایی که راغب برای شهادت بیان نموده را ذکر نمود، یعنی تعبیر «الحضور مع المشاهدة» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۶۵). حضور همراه با مشاهده، با این معنا می‌تواند دو بعد از مفهوم شهادت در سرای دنیا را اینگونه تبیین نمود؛ اولاً فرد شاهد حاضر است یعنی نه تنها در جامعه وجود دارد، بلکه به گونه‌ای در جامعه وجود دارد که فیضش به انواع گوناگون گفتار و رفتار و تقریر در معرض دید دیگران قرار می‌گیرد و ثانیاً خود این فرد شاهد مشاهده‌ای هم دارد، یعنی چنین فردی اگر آنچه را که از مرتبه بالاتر از خود در سلسله طولی شهادت، در بحث شهادت مشاهده می‌کند و آینه‌وار در خود متجلی می‌سازد، حق باشد و در گفتار و عمل چیزی را که از شاهد رتبه بالاتر خود دیده است را با انواع گوناگون حضور در جامعه، آینه‌وار در معرض دید دیگران زبردست خود قرار دهد، یک فرد شاهد است که مشهود واقع شده است.

در این معنا جنبه فاعلی شاهد همان مشاهده کردن او و معنای مفعولی او یعنی معنای مشهود همان حاضر بودن او در معرض دید دیگران است، البته همان‌طور که تا حدی مشخص است، مراد از معنای مفعولی، این نیست که خود واژه شاهد که اسم فاعل است، لفظاً معنای مفعولی بدهد، بلکه این واژه در عمل در یک مرحله، معنای مفعولی مشهود می‌گیرد، چراکه دیگران فرد شاهد را در آن حالت مشاهده می‌نمایند، لذا آن فرد

مشهود می‌شود، یعنی شخص مسمی به شاهد، گاه شاهد و گاه مشهود واقع می‌شود. پس از ذکر شهادت در عالم دنیا، معنای دیگر شهادت عبارت است از شهادت در نشئه آخرت. شهادت در نشئه آخرت به معنای گواهی دادن فرد شاهد بر اعمال خود و یا اعمال افراد زیر دست خود در درگاه خداوند متعال در عالم آخرت می‌باشد.

در بحث شهادت به معنای لغوی و اصطلاحی، در باب معنای لغوی شهادت در قرآن می‌توان گفت: در یک برداشت از برخی آیات قرآن مانند آیه شریفه:

﴿وَجَاهِدْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾ (الحج / ۷۸)

«و در راه خدا جهاد کنید و حق جهادش را ادا نمائید او شما را برگزید و در دین کار سنگین و شاقی بر شما نگذارد این همان آئین پدر شما ابراهیم است او شما را در کتب پیشین و در این کتاب آسمانی مسلمان نامید تا پیامبر شاهد و گواه بر شما باشد و شما گواهان بر مردم بنا بر این نماز را بر پا دارید و زکات را بدهید و به خدا تمسک جویند که او مولا و سرپرست شماست چه مولای خوب و چه یار و یاور شایسته‌ای»

با در نظر گرفتن سیاق در حیطة هم‌نشینی کلمه شاهد در این آیه، مسلمان نامیده‌شدن، لازمه شاهد بودن معرفی شده است، لذا تا آنجا که افراد مسلمان‌اند، شاهد تلقی می‌گردند.

از طرفی در شهادت به معنای شبیه به الگو و مقتدا که خود به خود پاره‌ای از فصل مقوم‌های مفهوم عام لغوی امام در قرآن را در بر می‌گیرد، بیننده بودن مقام شاهد بالاتر، لازمه نشان‌دهنده بودن با انواع حضور است.

در مورد مراتب شهادت می‌توان گفت امام معصوم در دنیا یعنی انبیاء و ائمه اثنا عشر معصوم (ع) بر اساس برخی آیات من جمله آیه شریفه: ﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾ (نساء / ۴۱) بالاترین مراتب شاهدان در آخرت‌اند (جناب صفار، ۱۴۰۴، ج ۱: ۴۹۸). حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرمایند: «رسول خدا(ص) می‌فرمایند: زمانی که فرد می‌میرد از او در مورد خداوند نبی و ولی‌اش سؤال می‌نمایند اگر پاسخ

دهد نجات می‌یابد، در این اثناء از رسول خدا(ص) پرسیده شد: ولی در زمانه ما چه کسی است؟ ایشان فرمودند: ولی در زمانه شما علی(ع) است و بعد از او وصی اش و برای هر زمانی عالمی است که خداوند به آن احتجاج می‌کند تا کسی نتواند حجتی در برابر خداوند بیاورد و بگوید: ﴿وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِّن قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَى﴾: «خدا یا چرا نفرستادی بر ما رسولی را که تبعیت کنیم آیات را قبل از اینکه ذلیل شویم ...» (طه/ ۱۳۴)، این ولی‌ها شاهدان هستند و نبی شاهد است بر آن‌ها (جناب صفار، ۱۴۰۴، ج ۱: ۴۹۸).

بر این اساس شاهد در آخرت، همانند شاهد در دنیا مراتب دارد که مواردی از قبیل اعضای بدن و مؤمنان و ... را در بر می‌گیرد، اما شاهد اصطلاحی در آیه ۴۱ سوره نساء تنها به معصومین(ع) اختصاص دارد. چراکه ضمن اینکه این بزرگواران شاهدان حقیقی به معنای حضور معصوم در دنیا بوده‌اند، شاهد اعمال افراد در آخرت هم هستند: ﴿وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (التوبة/ ۱۰۵)، لذا امام بر حق در دنیا حتماً شاهد در آخرت هم هست.

امام و شاهد در تقابل عمده تصویری دنیا و آخرت در قرآن

پس از ذکر توضیحات لازم در مورد معنای لغوی و اصطلاحی امام و شاهد در قرآن و روایات به بررسی روابط جانشینی شهادت و امامت در تقابل عمده تصویری دنیا و آخرت در قرآن و روایات می‌پردازیم.

در این رابطه ابتداءً می‌توان گفت معنا و مصداق امام در قرآن از زاویه‌ای با معنا و مصداق شاهد در این کتاب آسمانی هم‌تراز و همراه است، چراکه این دو واژه یعنی امام و شهادت در آیات قرآن به صورت جانشین مطرح شده‌اند.

در اثبات این مدعا می‌توان گفت با توجه به آیات شریفه:

﴿وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا...﴾ (نحل/ ۸۴)

﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾ (نساء/ ۴۱)

و همان‌گونه که در آیه شریفه:

﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوِّيَ كِتَابَهُ يَمِينَهُ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا﴾ (الإسراء / ۷۱)

بیان شده است، در آخرت هر گروهی با امامشان فرا خوانده می‌شوند. بر اساس روابط جانشینی بین دو واژه امام و شاهد در استعمالات قرآنی فوق، گویا ابتدا هر گروه با امامشان خوانده می‌شوند و سپس امام هر گروه شاهد آن امت می‌گردد، البته این به این معنا نیست که شهادت ائمه باطل در عالم آخرت، شهادت باطل باشد، چراکه در عالم آخرت امکان دروغ وجود ندارد، لذا شهادت ائمه باطل هم در عالم آخرت - در صورت وجود داشتن - مطابق واقع است و بر اعتقاد و اعمال افراد زیر دست شهادت می‌دهد، در این میان شهید امت بر حق همان امام بر حق آن‌ها و شهید امت‌های باطل همان امامان باطل آن‌ها هستند، لذا معنای شاهد و امام در دنیا و آخرت متفاوت است، به تعبیری معنای شاهد در دنیا به معنای امام در آخرت و معنای امام در آخرت به معنای شاهد در دنیا است. شاهد در دنیا، امام مبینی است که در آیه ﴿إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ﴾ (یس / ۱۲) با توجه به روایات شارح این آیه شریفه (ر.ک علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۵: ۴۲۷)، برای عوالم دنیا و آخرت بیان شده است. معنای دو واژه امام و شاهد در نشئه دنیا در آیه شریفه ذیل به صورت مترادف ذکر شده است: ﴿فَانتَقَمْنَا مِنْهُمُ وَإِنَّهُمْ لِيَامٍ مُّبِينٍ﴾: «ما از آن‌ها انتقام گرفتیم و - شهرهای ویران‌شده - این دو [قوم لوط و اصحاب الأیکه] بر سر راه - شما در سفرهای شام - آشکار است» (الحجر / ۷۹). در این آیه شریفه آثار باقی‌مانده از شهرهای ویران‌شده توسط عذاب الهی به صورت امام یعنی ابزاری که در جلوی دیدگان قرار گرفته تا افراد شاهد عذاب الهی باشند مطرح شده است، آثار ویرانی مخروبه‌های ناشی از عذاب الهی بر اقوام گذشته، امام تلقی شده‌اند و شاهدی به معنای حضور هستند که مشهود دیگران شده و آن‌ها را هدایت می‌کنند، لذا می‌توان گفت شاهد به معنای حضور که در آیه شریفه ۷۹ سوره الحجر مد نظر است، مترادف با یکی از معانی امام در نشئه دنیا یعنی معنای وجود امام با انواع حضور برای ارشاد مردم است. چنانکه در آیه فوق اینگونه استعمال شده است. در قسمت‌های قبلی توضیحی در مورد انحصار شهادت اصطلاحی به ائمه معصوم (ع) بیان گشت. اما در زمینه اثبات انحصار امامت اصطلاحی که به معصوم

اختصاص دارد و مترادف با معنای حضور از معنای شهادت است، می توان گفت بر اساس آیات قرآن، امامت عهد الهی است که تنها به معصومین (ع) می رسد:

﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ (البقرة/ ۱۲۴)

و در آیات ۱۳۹ الی ۱۴۷ سوره یونس هم حضرت یونس (ع) با گناهی نسبی «ترک تولی» از درجه امامت فاصله می گیرد، اما با پرداختن به توبه باز به جایگاه امامت باز می گردد.

نکته دیگر اینکه در قرآن امامت برای مؤمنان معمولی نیز ذکر شده است:

﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يَتَّبِعُهُمُ الْيَهُودُ وَأُوذِيَ نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ * وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (القصص / ۴-۵)

اما مراد از امامت در این آیات معنای لغوی آن است و لذا شامل این معنا یعنی انحصار امامت اصطلاحی در قرآن برای معصومین نمی گردد.

کاربرد واژه امام در آیه شریفه:

﴿إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ﴾

«به یقین ما مردگان را زنده می کنیم و آنچه را از پیش فرستاده اند و تمام آثار آن ها را می نویسیم و همه چیز را در کتاب آشکارکننده ای برشمرده ایم!» (یس/ ۱۲)

به صورت جامع به کار رفته است. بر اساس معنای جامع از امام مصطلح، که در آیه شریفه مذکور مطرح شده است، خداوند بر اساس حکمتش که در روابط متقابل خدا و انسان در نظام معنایی قرآن و نظام تکوین جاری است، ابتدا توسط کتب از جانب خداوند که تحریف نشده اند و به صورت نبی یا امام به صورت انسان هایی معصوم که همه احکام را می دانند، احکام را به انسان ها معرفی می نماید و در ادامه اعمال انجام گرفته را در کتابی دیگر به نام نامه اعمال جمع می نماید، تا امام این افراد و شاهد بر اعمال آن ها در قیامت باشد، به این صورت معنای آیه شریفه:

﴿إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ﴾

(یس/۱۲)

به صورت جامع و معنایی که در مراتب گوناگون مصادیق متعددی دارد، معنا می‌گردد و در ادامه اینکه کسی که امام است، باید شاهد هم باشد و لازمه شاهد بودن آگاهی داشتن از اعمال افراد است و این مسأله یعنی امامان معصوم به اعمال افراد احاطه علمی دارند و لذا عملاً به دلیل علم به اعمال و ثبت اعمال افراد در ظرف علم ایشان می‌توانند در حکم نامه عمل هم باشند، البته این نکته منافاتی با وجود کتابی به عنوان امام مبین که مثلاً به لوح محفوظ یا نامه عمل اشاره دارد ندارد، بلکه امام مبین مراتبی دارد که نامه عمل و لوح محفوظ و امام معصوم هر کدام مراتبی از آن به شمار می‌آیند. در نهایت اینکه با الهام از روایاتی که امام مبین را ائمه اطهار(ع) تلقی می‌نمایند، می‌توان به ارتباط واژه امام و شاهد در این مرتبه از شهادت رسید.

امام باقر(ع) می‌فرماید: هنگامی که آیه شریفه ﴿وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ﴾ (یس/۱۲) بر رسول خدا(ص) نازل گشت / بوبکر و عمر در مجلس ایستادند و گفتند آیا مراد از امام مبین تورات است؟ حضرت فرمودند: خیر، باز آن دو نفر از رسول خدا(ص) پرسیدند: آیا مراد از امام مبین انجیل است؟ حضرت رسول(ص) در پاسخ فرمودند: خیر، باز آن دو نفر از رسول خدا(ص) پرسیدند: آیا مراد قرآن است، حضرت رسول(ص) در پاسخ فرمودند: خیر و سپس رو به سوی علی(ع) نمودند و فرمودند: امام مبین ایشان است، او امامی است که خداوند علم همه چیز را در وجود او برشمرده است(علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۵: ۴۲۷).

لذا با توجه به حدیث فوق، معنای شهادت در عالم آخرت، می‌تواند مترادف با امام مبین در آیه شریفه: ﴿إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ﴾ (یس/۱۲) تلقی گردد که بر اساس آن ائمه اطهار(ع) مانند نامه اعمال به اعمال افراد احاطه علمی داشته و به آنها خصوصاً در زمینه اعتقاد و رفتار مرتبط با پذیرش و عدم پذیرش امامت و شهادت افراد نسبت به مقام شهادت و امامت خودشان گواهی می‌دهند. در ادامه بحث می‌توان گفت همان‌طور که در همین قسمت ذکر گشت، اگر بخواهیم مراتب شهادت را تا کتب تحریف نشده از جانب خداوند و انسان‌های غیر معصوم

ادامه دهیم، تنها در صورتی این حالت امکان‌پذیر است که آن کتاب سخنی کاملاً بر حق و بدون تحریف که با کلام خداوند کاملاً تطابق داشته باشد و در مورد انسان‌هایی غیر معصوم که بخواهند ملقب به عنوان شاهد شوند نیز، تنها تا زمانی که گفتار این افراد تطابق کامل با دیدگاه خداوند و رسول خدا(ص) و ائمه معصومین(ع) دارد، این افراد واجد مقام شهادت در مراتب پایین‌تر از معصوم یعنی معنای لغوی و نه اصطلاحی می‌باشند.

با توجه به آیه شریفه: ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَهْلَ الْوَارِثِينَ﴾ (القصص/۵)، شرط سلسله طولی همان‌گونه که در مفهوم شهادت شرط است، در مورد امامت هم جاری است، مثلاً ائمه‌ای که قرآن در آیه شریفه:

﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ﴾ (الانبیاء/ ۷۳)

به عنوان یاران موسی(ع) مطرح می‌نماید، تا زمانی که تحت سیطره امامت حضرت موسی(ع) بودند، در نظر خداوند در مرتبه خاص خود نسبت به مراتب پایین‌تر از خود، امام بودند و نه در غیر این حالت، چراکه امامت به معنای لغوی نیز تنها در حالتی حجیت دارد که امتدادش به حلقه انتصاب از جانب خداوند برسد، یعنی به حلقه جعل الهی(البقره/۱۲۴)، اصطفاء(البقره/ ۱۳۰) و تفضیل الهی(البقره/ ۲۵۳) که عصمت را در پی دارد.

در ادامه بحث لغوی واژه امام به مبحث امام باطل می‌رسیم. مسلماً امام باطل دیگر به عنوان امام لغوی که از حقانیت نسبی برخوردار است تلقی نمی‌گردد و از این جهت تنها لفظ امام را یدک می‌کشد.

اکثر روایات در تفسیر آیه شریفه: ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ يَمِينَهُ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظَلَمُونَ فَتِيلًا﴾ (الإسراء/ ۷۱) به امام حق اشاره کرده‌اند، ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ﴾ یعنی هر کس به امام محقق اقتدا نموده پاک است(منسوب به جعفر بن محمد، ۱۴۰۰ق، امام ششم علیه السلام: ۱۵۶) و «رسول خدا(ص) در معنای این آیه می‌فرمایند: بر اساس این آیه شریفه در قیامت افراد هر قومی به نام امام زمانشان فراخوانده می‌شوند و هم‌چنین با نام کتاب خدا و سنت نبی‌شان فراخوانده می‌شوند»(امام

علی بن موسی (ع)، ۱۴۰۶ق: ۴۹) و «امام صادق (ع) در تفسیر این آیه شریفه می‌فرمایند: بر اساس این آیه شریفه هر قومی از این امت - امت حضرت رسول (ص) - به نام امامشان فراخوانده می‌شوند. راوی می‌گوید: گفتم فرمایش شما به این معناست که رسول خدا (ص) در قرنشان و امام علی (ع) در قرنشان و امام حسن (ع) در قرنشان و امام حسین (ع) در قرنشان و همین‌طور همه امامان (ع) در قرن خودشان امامان آن زمان هستند، فرمودند: بله» (جناب برقی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۴۴). منتها در این رابطه احادیثی نیز وجود دارند که موضوع امامت باطل را هم در این رابطه مطرح می‌نمایند برای مثال: «امام صادق (ع) در این رابطه می‌فرمایند: به خدا سوگند حضرت علی (ع) در عقیده و رفتار مطابق بر دین خدا هستند، سپس این آیه را تلاوت فرمودند: ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ﴾ و در ادامه فرمودند: حضرت علی (ع) امام ما و رسول خدا (ص) امام ما هستند، اما چه مقدار از امامان که در روز قیامت می‌آیند و اصحاب و یارانشان را لعنت می‌نماید و اصحابشان هم آن‌ها را لعنت می‌کنند...» (جناب عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۳۰۳). لذا در مجموع اینگونه به نظر می‌رسد که مراد از امام در این آیه در بحث حق و باطل، معنایی عام است که بر اساس آن هم شامل امام حق و هم شامل امام باطل می‌گردد.

یکی از مسائلی که در بحث مصادیق ائمه حق و باطل پس از مشخص شدن مفهوم ائمه در آیه فوق قابل ذکر است، بحث وحدت حق و کثرت باطل در این زمینه همچو زمینه‌های دیگر می‌باشد، چنانکه در برخی روایات در مورد وحدت امام حق، مطرح شده است که امام همه شیعیان به طور مطلق که تبعاً شامل همه ادوار می‌شود، حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) می‌باشند و در نهایت همگان از امت رسول خدا (ص) هستند که خود این بزرگوار واجد مقام امامت هستند. مؤید این معنا روایتی از رسول خدا (ص) می‌باشد که به نقل از امام باقر (ع) نقل شده است. «امام باقر (ع) می‌فرمایند: هنگامی که آیه شریفه ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ﴾ نازل گشت مسلمین خطاب به رسول خدا (ص) بیان داشتند: ای رسول خدا (ص) آیا شما امام همه مسلمین نمی‌باشید؟ ایشان در پاسخ فرمودند: من رسول خدا بر همگان هستم، اما پس از من ائمه‌ای هستند که از جانب خداوند امام مردم‌اند، آن‌ها از اهل بیت من هستند که مورد ظلم و ستم واقع می‌شوند و تکذیب می‌شوند هر کس این امامان را دوست داشته باشد، از من است و همراه من است

و در عالم آخرت مرا ملاقات خواهد نمود و هر کس در حق آن‌ها ستم روا دارد از من نیست و من از او بیزارم» (جناب عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۳۰۴).

چنانکه از امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه ﴿وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ﴾ (البروج/۳) نقل شده است که طبق فرمایش ایشان، در این آیه شریفه مراد از شاهد رسول اکرم (ص) و مراد از مشهود امیرالمؤمنین علی (ع) می‌باشند (شیخ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۴۲۵).

اما در جبهه باطل اینگونه وحدتی در معنای لغوی امام وجود ندارد، بلکه کثرت حکمفرما است و هر کسی ساز خودش را می‌زند و لذا امامان باطل بسیار زیاد هستند، چنانکه این معنا از آیه شریفه: ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاءُ لَهُمُ الظُّلُمَاتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ (البقرة/۲۵۸) که در آن نور مفرد و ظلمات جمع آمده، قابل برداشت است.

بر این اساس می‌توان گفت: از آنجا که امام با دو واژه شاهد و شهید مترادف است، مانند این دو واژه به دو گونه معنا می‌شود؛ امامت در دنیا که به دو معنای حاضر بودن و بیننده بودن به کار می‌رود و امامت در آخرت که به معنای جلوداری به کار می‌رود که همچو نامه عمل از اعمال قومش آگاهی دارد.

برای تبیین هرچه بیش‌تر ارتباط شهادت و امامت در نشئه‌های دنیا و آخرت شایسته است به بررسی آموزه‌های آیه امت وسط بردازیم. از بررسی این آیه متوجه می‌شویم که مراد از - امة وسطا - در این آیه امت واسطه است، یعنی امتی که بین رسول خدا (ص) و مردم واسطه فیض است از طرفی کاملاً روشن است که وساطت تا زمانی امکان دارد که دو طرف زنده باشند، چراکه وساطت تنها میان زنده‌ها معنا دارد. وقتی رسول خدا (ص) از دنیا می‌روند، این وساطت در دنیا قطع می‌شود و لذا باید معصومینی به عنوان امام جانشین پیامبر (ص) باشند، تا مردم آن‌ها را واسطه بین خود و رسول خدا (ص) قرار دهند. در این میان تنها کسانی می‌توانند این وساطت را بر دوش گیرند که یا با خود رسول خدا (ص) در ارتباط باشند و یا از علم ایشان بهره‌مندی داشته باشند، اینجاست که بعد از وفات رسول خدا (ص) در عمل ائمه معصومین (ع) تنها کسانی هستند که از علم رسول خدا (ص) بهره کامل را برده‌اند و در عمل نیز به دلیل بهره‌مندی از عصمتی که خداوند به آن‌ها به دلیل قابلیت‌شان به ودیعه نهاده است، تنها به موازات کامل فرامین

رسول خدا(ص) عمل می‌نمایند و از هواهای نفسانی خود پرهیز می‌نمایند. لذا تنها مصداق اصطلاحی و حقیقی شهادت و امامت پس از وفات و یا شهادت رسول خدا(ص) در آیه امت وسط، ائمه معصومین(ع) هستند.

در آیه امت وسط، رسول خدا(ص) از دایره وساطت جدا گشته‌اند و این جدایی به این معناست که ایشان در حیاتشان به دلیل حضوری که در جامعه داشتند، شاهد بر مردمان بودند و در همین راستا، هر فرد مسلمان غیرمعصوم می‌توانست شاهد و واسطه بین ایشان و مردمان در مراتب پایین‌تر گردد.

اما پس از وفات رسول خدا(ص)، باید افرادی به عنوان شاهد حقیقی وجود و حضور داشته باشند که از علم رسول خدا(ص) بهره کامل برده و در مقام عمل، نبود رسول خدا(ص) بهانه ترک فرامین ایشان توسط این افراد قرار نگیرد. یعنی شاهدان حقیقی هم علم داشته باشند و هم عصمت، و تشخیص این دو مؤلفه به دلیل وسعتی که دارند تنها از دست باکفایت خداوند برمی‌آید. لذا تنها خداوند است که پس از رسول خدا(ص) شاهدان حقیقی که ائمه مفترض الطاعه هستند را معرفی می‌نماید.

در زمان هر کدام از شاهدان معصوم پس از وفات رسول خدا(ص) نیز سایر مردمان مسلمان شاهدان به معنای لغوی بین امام معصوم آن دوره و بقیه مسلمانانی که در مرتبه پایین‌تر هستند و حتی غیر مسلمانان خواهند بود و این حالت ایرادی ندارد، چراکه در هر زمان به اراده الهی معصومی وجود دارد که تا حد قابل توجهی در علم به سر حد علم رسول خدا(ص) بوده و در عمل معصوم است و به این واسطه، حلقه طولی وساطت در امامت و شهادت تا خداوند بدون وقفه ادامه می‌یابد و لذا این رتبه از شهادت نیز واجد حجیت می‌گردد.

علاوه بر بحث دنیا و آخرت دو مسأله دیگر نیز در بحث شهادت مطرح است و آن بحث نقش آفرینی مفهوم شهادت در آغاز و غایت است که البته شرط شکل‌گیری چنین تقسیمی به این است که واژه شهادت با یک یا چند مورد از واژه‌های هم‌میدانش در نظر گرفته شود، مثلاً امامت و شهادت. در این تقسیم بندی بحث در این است که نقش آفرینی کدام‌یک از دو واژه هم‌میدان، یعنی دو واژه امام و شاهد، از جهت ورود در میدان معنایی، زودتر از دیگری می‌باشد؟ یعنی زودتر از دیگری آغاز به نقش آفرینی

می‌نماید و نقش آفرینی کدام مورد دیرتر از دیگری به انجام می‌رسد؟ حداقل برآیند این تقسیم بندی در این است که جایگاه هر کدام از این دو مؤلفه موجود در میدان معنایی مشخص می‌گردد، ضمن اینکه برایندهای معناشناسی دیگری هم می‌تواند داشته باشد. نقش آفرینی واژه شهادت با نقش آفرینی مفهوم امام در میدان معنایی خاص خودشان رابطه‌ای متقابل دارد. در بحث آغاز نقش آفرینی این دو مفهوم، مفهوم شهادت قبل از نقش آفرینی مفهوم امام در تقابل عمده تصویری دنیا و آخرت مطرح می‌باشد و در غایت نقش آفرینی مفهوم شاهد به صورت مؤخر از نقش آفرینی مفهوم امام، به کنار می‌رود، لذا می‌توان گفت در قرآن شهادت در مفهوم و در نتیجه، عملکرد گسترده‌تری از مفهوم امام در میدان معنای خودشان دارد.

مورد دیگر از موارد جانشینی این دو واژه در قرآن اطلاق هر دو معنای امام و شاهد برای کتاب در قرآن می‌باشد که در آیه ذیل به گونه‌ای منطقی ترتیب داده شده‌اند.

﴿أَمَّنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتِهِ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلَا تَكُ فِي مَرْيَةِ مِنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ﴾

«آیا آن کس که دلیل آشکاری از پروردگار خویش دارد و به دنبال آن شاهدهی از سوی او می‌باشد و پیش از آن کتاب موسی که پیشوا و رحمت بود گواهی بر آن می‌دهد، همچون کسی است که چنین نباشد؟! آن‌ها [حق طلبان و حقیقت جویان] به او که دارای این ویژگی‌هاست ایمان می‌آورند! و هر کس از گروه‌های مختلف به او کافر شود، آتش وعده‌گاه اوست! پس، تردیدی در آن نداشته باش که آن حق است از پروردگارت! ولی بیش‌تر مردم ایمان نمی‌آورند» (هود/ ۱۷)

اگر قسمت ابتدای آیه اینگونه معنا شود که مراد از "شاهد" در عبارت شریفه «يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ» قرآن کریم باشد، در این آیه شریفه کتاب موسی (علی نبینا و آله و علیه السلام) امام و قرآن شاهد حقانیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) معرفی شده است، لذا امام یعنی کتاب موسی (ع) هدایت کننده به سوی شاهد یعنی قرآن است و شاهد یعنی قرآن حقانیت امام یعنی کتاب موسی (ع) را ثابت می‌کند.

در این آیه شریفه شاهد و امام هر دو از جنس کتاب هستند و این خود در ضمن به نمایش گذاشتن روابط جانشینی بین این دو واژه، گویای مراتب امامت و شهادت برای کتاب در طول هم است، به این صورت که از جهت تاریخی ابتدا واژه امام و در نهایت، واژه شاهد برای کتب تورات و قرآن کریم ذکر می‌گردد، لذا می‌توان گفت بر اساس این آیه در موردی که بحث در باب امامت و شهادت از کتاب در فضای تاریخی باشد، شهادت پس از امامت مطرح می‌گردد، اما در صورتی که دید تاریخی مطرح نباشد، بلکه بحث جنبه معناشناختی داشته باشد و سخن از گستردگی معنای این واژگان در عمل باشد، مقوله امام یکی از برآیندهای شهادت است. چنانکه در قرآن کریم امت رسول خدا(ص) به عنوان امت واسطه(البقره/ ۱۴۳) معرفی گشته است و این گویای مرجعیت شهادت رسول خدا(ص) بر دیگر کتب و دیگر انبیاء و امامان است، همان‌گونه که در آیه مورد بحث(هود/ ۱۷) نیز قرآن که کتاب رسول خدا(ص) می‌باشد شاهد بر تورات معرفی شده است. البته این حالت با نگاه عام، در غیر مبحث امام و شاهد با مصداق کتاب نیز جاری است.

نکته دیگر در مورد شهادت که در حکم تفسیری برای آیه شریفه امت وسط است و معمای موجود در جداسدن رسول خدا(ص) از امت وسط در مفهوم آیه شریفه امت وسط را برطرف می‌کند(در بحث عدم خروج رسول خدا(ص) از امت ر. ک جناب قرشی بنایی، ۱۳۷۱، ج ۴: ۸۶) به این صورت که مراد از امت وسط ائمه اطهار(ع) هستند که واسطه بین رسول خدا(ص) و مؤمنین می‌باشند، لذا وسط بودنشان از این جهت است که به تعبیری در میانه مقام والای رسول خدا(ص) و مؤمنان قرار گرفته‌اند، این حالت میانه لازمه شکل‌گیری معنای شهادت است چراکه تا دو چیز در مقابل همدیگر در نظر گرفته نشوند، شهادت در بین آن‌ها مصداق نمی‌یابد.

امام صادق(ع) در تفسیر سخن خداوند: ﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْكُمْ لِأُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾ می‌فرماید: «این آیه درباره امت حضرت رسول(ص) نازل شده است که بر اساس آن در هر قرنی از این امت امامی از ما هست که شاهد است بر آن امت و حضرت محمد(ص) شاهد بر ما ائمه که شاهد بر امت هستیم می‌باشند. رسول خدا(ص) به واسطه آنچه از ناحیه خداوند بر ما ابلاغ نموده اند، شهید خداوند بر ما هستند و ما

شاهدان بر مردم هستیم. هر کس که ما را تصدیق نماید ما او را در قیامت تصدیق می‌نماییم و هر کس که ما را تکذیب نماید ما او را در روز قیامت تکذیب می‌نماییم» (شیخ کلینی، ج ۱: ۱۹۰).

بر اساس این حدیث شریف، طهارت و عصمت لازمه مقام شهادت است و نتیجه این طهارت و عصمت، همراهی این شاهدان با قرآن است، به گونه‌ای که هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند و این می‌تواند به این معنا باشد که این شاهدان، معصومانه شاهدان حقانیت قرآن و مبیین احکام آن هستند که بر اساس ملازمت ابدی و کاملشان با قرآن، حجت‌های خداوند بر خلقش تلقی می‌گردند، لذا همان‌گونه که قرآن تحریف نگشته آن‌ها هم دچار انحراف نشده و واجد مقام عصمت هستند.

خصوصاً در فرمایش ایشان مبنی بر اینکه در هر قرنی از این امت امامی از ما هست که شاهد است بر آن امت. شهادت لازمه امامت معرفی شده است، بر این اساس هر کس شامل مقوله امام هست، شامل مقوله شاهد هم هست و هر کس شامل مقوله شاهد است، شامل مقوله امام هم هست.

وجه مشترک معنای لغوی شهادت با معنای اصطلاحی در آیه شریفه امت وسط (البقره/۱۴۳) این است که مراد از شهادت در این آیه، تا حدی مترادف معنای شهادت در آیه شریفه زیر می‌باشد:

﴿قَالَ هِيَ رَأَوْتَنِي عَنْ نَفْسِي وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ أَهْلِهَا إِنَّ كَانَ قَمِيصُهُ قُدِّمَ مِنْ قَبْلِ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ﴾ (یوسف / ۲۶)

که به معنای گواهی بر حقانیت اسلام به وسیله استدلال عقلی در مقابل دیگران است، چراکه در آیه شریفه ۲۶ سوره یوسف فرد شاهد ماجرا را ندیده و تنها با استدلال عقلی شهادت می‌دهد و خداوند از آن تعبیر شهادت نموده است. مؤید این معنا اینکه دین اسلام در تقابل کامل با عقل برهانی است و این معنا از شهادت شامل هر دو مرتبه معنای لغوی و اصطلاحی شهادت می‌گردد.

برداشت دوم از این آیه شریفه (هود/۱۷) این است که در سیر تشکیکی مفاهیم امامت و شهادت در قرآن، هر چیز هدایت کننده‌ای، یعنی هر دالی به سوی هدایت از هر جنس که باشد خواه کتاب و یا انسان و ... به شرط عصمت در مورد انسان و به شرط از جانب

خدا بودن و تحریف نشدن در مورد کتاب مصداق شاهد و امام است، با این حساب زمانی که در قرآن لفظ امام و شاهد می‌آید، هم شامل کتاب می‌شود و هم شامل انسانی که هدایتگر است، منتها این مورد مشروط به بهره‌مندی از مقام عصمت برای جایگاه عالی امام و شاهد و برای معنای لغوی امام و شاهد به شرط صحت نسبی و قرار گرفتن در یک سلسله طولی مشروع که به خداوند متعال ختم می‌گردد می‌باشد.

لذا زمانی که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ﴾ (یس/

(۱۲)

معنای امام به صورت کتاب و امام می‌تواند معنای انسان هدایتگر معصوم را هم جدای از معنای نامه عمل که با ظاهر آیه در نگاه اول تطابق دارد واجد باشد، چراکه در بیان معنای جامع آیه، بر اساس رابطه متقابل خداوند حکیم و عادل و دارای لطف و انسان، که اقتضای رفتار حکیمانه بین او و تربیت بندگانش را دارد، تنها زمانی از اعمال نوشته شده بازخواست می‌نماید که تکلیف چگونه انجام‌دادن‌شان را توسط امامان برای مؤمنان مشخص نموده باشد و به این ترتیب با در نظر گرفتن روابط متقابل خدا و انسان و روابط متقابل دنیا و آخرت در قرآن می‌توان به معنایی جامع از این آیه شریفه رسید که با بهره‌گیری از روایات معصومین، عظمت معنای قرآن را در محدوده سیاق محدود نمی‌نماید. این برداشت از قرآن برداشتی جامع‌تر نسبت به معنای محدود به سیاق آن است که با شأن و منزلت قرآن سازگاری بیش‌تری دارد.

نکته دیگر بحث عصمت امامان بر حق می‌باشد، در این زمینه امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى طَهَّرَنَا وَعَصَمَنَا وَجَعَلَنَا شُهَدَاءَ عَلَىٰ خَلْقِهِ وَحُجَّتَهُ فِي أَرْضِهِ وَجَعَلَنَا مَعَ الْقُرْآنِ وَجَعَلَ الْقُرْآنَ مَعَنَا لَا نَفَارَ قُوهُ وَلَا يَفَارِقُنَا﴾: «خداوند متعال ما را بسیار تطهیر نمود و از خطاها مصونمان داشت و ما را شهداء بر خلقش و حجت‌هایش بر روی زمین قرار داد و ما را به همراه قرآن قرار داد و قرآن را به همراه ما قرار داد، در حالی که ما از قرآن جدا نمی‌شویم و قرآن هم از ما جدا نمی‌گردد» (شیخ کلینی، ج: ۱، ۱۹۰-۱۹۱).

نتیجه بحث

از مجموع مباحث این نتیجه حاصل می‌گردد که بحث سعادت انسان در روابط متقابل دنیا و آخرت بحثی سرسری که انسان‌ها خود بتوانند بدون امامی که از جانب خداوند معرفی شده است، راه صحیح را یافته و طی نمایند نیست، بلکه وجود امام در این عرصه حتی اگر غایب باشد لازم و ضروری است، چراکه امام حتی در غیبت خود هم به طرق گوناگون توان اداره تکوینی و حتی اداره تشریحی امور را دارد. در نهایت اینکه با توجه به جایگاه حکمت الهی در هدایت بشر لازم است که در هر برهه از زمان رابطی بین خداوند و انسان‌ها وجود داشته باشد که در روابط متقابل دنیا و آخرت کمک کار مؤمنین باشد. لذا چه آخرت هم‌زمان با دنیا وجود داشته باشد یا وجود نداشته باشد، به هر حال کیفیت عالم آخرت با کیفیت عالم دنیا ارتباطی مستقیم دارد و این اعمال دنیا هستند که حیات آخروی را به نحو خاص خود شکل می‌دهند. از طرفی در دنیا همیشه باید امامی برای ارائه راه صحیح آخرت‌سازی وجود داشته باشد و چون دنیا مزرعه آخرت است، امام باید دنیاساز نیز باشد و به دلیل برخورداری دنیا از زمان و بهره‌مندی آن از بحث تجدید حیات، لازمه وجود امامی که در دنیا شاهدهی برای شناخت احکام الهی دنیا و آخرت است روشن‌تر می‌گردد، چراکه امام معصوم ضمن ارشادات در دنیا، در آخرت نیز شاهدهی برای گواهی بر اعمال انسان‌ها باشد.

کتابنامه

قرآن کریم

- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد. ۱۳۶۷ش، **النهاية في غريب الحديث والأثر**، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن فارس رازی، احمد. ۱۴۰۴ق، **معجم مقاییس اللغة**، عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۴۱۴ق، **لسان العرب**، بیروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
- ایزوتسو، توشیهیکو. ۱۳۹۲ش، **خدا و انسان در قرآن**، ترجمه محمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد. ۱۳۷۱ق، **المحاسن**، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی. ۱۴۱۴ق، **تاج العروس من جواهر القاموس**، تحقیق و تصحیح علی هلالی و علی سیری، بیروت: دار الفكر.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، **مفردات ألفاظ القرآن**، تحقیق و تصحیح داوودی و صفوان عدنان، بیروت- دمشق، دار القلم- الدار الشامیه .
- صفار، محمد بن حسن. ۱۴۰۴ق، **بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم**، چاپ دوم، ایران- قم: مکتبه آیه الله مرعشی نجفی.
- عسکری، حسن بن عبدالله. ۱۴۰۰ق، **الفروق فی اللغة**، بیروت: دار الآفاق الجدیده.
- علی بن موسی، امام هشتم علیه السلام، ۱۴۰۶ق، **صحیفة الإمام الرضا علیه السلام**، مشهد: کنگره جهانی امام رضا(ع).
- عیاشی، محمد بن مسعود. ۱۳۸۰ق، **تفسیر العیاشی**، تهران: المطبعة العلمیه.
- فخر الدین بن محمد، حسینی اشکوری، ۱۳۷۵ش، **مجمع البحرین**، احمد مرتضوی، تهران: مرتضوی.
- قرشی، سید علی اکبر. ۱۳۷۱ش، **قاموس قرآن**، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۰۷ق، **الکافی**، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. ۱۴۰۳ق، **بحار الأنوار**، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- گنجی، حسین. بی تا، **امام شناسی**، ج ۱، قم: آشیانه مهر.

مقالات

دهقان، سمیرا و مهرناز گلی و حسین خاکپور و فاطمه اثناعشری. ۱۳۹۴ش، «مؤلفه‌های معناشناسی واژگان قرآن در شیوه تبیینی امام علی(ع)»، مطالعات قرآنی، سال ششم، شماره ۲۴، صص ۹-۲۸. عظیمی ده علی، محمد. ۱۳۹۳ش، «معناشناسی واژه شهادت در نظام معنایی قرآن»، مشکوة، ش ۱۲۵، سال سی و سوم.

